

ایران، هرمز و معمای جنگ دوم



امیرحسام اسحاقی

استاددانشگاه

شاید جهان هنوز صدای انفجارهای دور دوم جنگ را نشنیده باشد، اما بازارها، دولت‌ها و اتاق‌های فکر، از هم‌اکنون در حال شمارش هزینه‌های آن هستند. خاورمیانه پس از جنگ ۴۰روزه، وارد مرحله‌ای شده که در آن آتش‌بس دیگر به معنای صلح نیست؛ بلکه تنها وقفه‌ای کوتاه میان دو موج بحران است. این منطقه بار دیگر بر لبه پرتگاه و میان آتش‌بس شکننده و احتمال آغاز دور دوم جنگ ایستاده! جایی که تنگه هرمز، دیگر فقط یک آبراه نیست بلکه به اهرم فشار ژئوپلیتیکی و «سلاح اقتصادی» تبدیل شده که می‌تواند هم‌زمان بازار نفت، امنیت غذایی و ثبات اقتصاد جهانی را دگرگون کند. از فروپاشی مدل اقتصادی خلیج فارس تا زخم عمیق اقتصاد دیجیتال ایران، منطقه وارد مرحله‌ای شده که در آن جنگ‌ها دیگر فقط با موشک و پهپاد تعیین نمی‌شوند؛ بلکه با انرژی، زنجیره تأمین، اینترنت، سرمایه و دیپلماسی فرسایشی ادامه می‌یابند. پرسش اصلی اکنون این نیست که بحران پایان می‌یابد یا نه؛ بلکه این است که جهان تا چه اندازه توان تحمل موج بعدی آن را دارد؟

شوک اقتصادی؛ فلج‌شدن شریان حیاتی جهان
اقدام ایران در مدیریت و انسداد دوقفالتوی تنگه هرمز-که ۲۰ درصد نفت خام و ۱۹ درصد تجارت گاز مایع جهان از آن عبور می‌کند، بزرگ‌ترین اختلال عرضه انرژی در تاریخ معاصر را ایجاد کرد. قیمت نفت برنت در نیمه اول مارس ۲۰۲۶ به کانال ۱۲۰ دلار جهش کرد و حتی پس از سیگنال‌های دیپلماتیک، در محدوده ۱۰۲ تا ۱۱۴ دلار تثبیت شد. این شوک فراتر از انرژی، زنجیره تأمین جهانی را مختل و موج جدیدی از نااطمینانی اقتصادی، بحران غذایی و فشارهای اجتماعی را در ایران و منطقه، اروپا و آسیای جنوب شرقی افزایش داده است. توقف صادرات پتروشیمی ایران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان کودهای شیمیایی منطقه، منجر به کمبود شدید کود در کشورهای واردکننده به ویژه هند، پاکستان و برخی کشورهای آفریقایی شد. این کمبود، هم‌زمان با اختلال در واردات غلات و نهاده‌های دامی، خطر بحران غذایی را در ماه‌های آتی تشدید کرده است. در داخل کشور، افزایش سرسام‌آور هزینه‌های لجستیک و حمل‌ونقل، موجب تشدید تورم شده و قدرت خرید ناظران‌ها را به‌شدت کاهش داده است. گزارش‌ها از بحران انرژی دوم در اروپا حکایت دارد؛ جایی که کاهش ذخایر گاز و توقف صادرات LNG قطر صنایع سنگین را با حق‌العمل‌های ۳۰ درصدی و تهدید «صنعت‌دایی اقتصادی» مواجه کرده است.

فروپاشی مدل اقتصادی خلیج فارس

جنگ ۴۰روزه، مدل رشد اقتصادی مبتنی بر ترازبیت‌ایمن انرژی را عملاً به فروپاشی کشاند. قطر به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان LNG، شرایط فورس‌ماژور اعلام و صادرات خود را به‌طور موقت متوقف کرد. مطالعه برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) خسارت اقتصادی کشورهای عرب منطقه را بین ۱۲۰ تا ۱۹۴ میلیارد دلار برآورد کرده است. خسارت‌ها شامل کاهش شدید درآمدهای نفتی، توقف پروژه‌های زیرساختی و اختلال در بخش خدمات مالی و گردشگری است. کشورهای شرق آسیا مانند چین، هند، ژاپن و کره جنوبی که مقصد ۷۵ درصد نفت عبوری از تنگه هرمز هستند نیز با قطع زنجیره تأمین مواجه‌اند و ترافیک تانکرها بیش از ۷۰ درصد کاهش یافت. این اختلال، جهش قیمت کالاهای اساسی، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل جهانی و فشار بر اقتصادهای نوظهور را به‌دنبال داشت. در سطح منطقه‌ای، باعث موج بیکاری در بخش‌های وابسته به تجارت دریایی و گردشگری، مهاجرت معکوس نیروی کار خارجی و تشدید نابرابری اجتماعی شد. کشورهای خلیج فارس که سال‌ها برای تنوع‌بخشی اقتصادی سرمایه‌گذاری کرده بودند، اکنون با بازگشت به وابستگی شدید نفتی و رکود در بخش غیردولتی مواجه هستند.

ایران؛ از زخم دیجیتال تا تله نقدبینگی

اقتصاد ایران که پیش از جنگ با تورم بالای ۴۰ درصد و تحریم‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کرد با آغاز جنگ، فشارهای ساختاری سنگینی را تحمل کرد. خسارت مستقیم به زیرساخت‌ها، تأسیسات و مخازن انرژی حدود ۳۰۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.

۱- زخم دیجیتال

اختلالات زیرساختی و قطع اینترنت جهانی، شاهرگ حیاتی اقتصاد دیجیتال، استارت‌آپ‌ها و خرده‌فروشی‌های آنلاین را قطع کرد. خاموشی اینترنت، فراتر از خسارت‌های مالی روزمره، زخم عمیقی بر پیکره اقتصاد دیجیتال بر جای گذاشت.

دوشنبه ۴ خرداد ۱۴۰۵
۸ ذی‌الحجه ۱۴۴۷
۲۵ می ۲۰۲۶
سال بیست‌ووم
شماره ۵۳۹۴
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه



پزشکیان:

همه از تصمیمات دیپلماسی حمایت کنند



«شرق» از اوج‌گیری سیگنال‌های سیاسی و رسانه‌ای درباره نزدیک شدن ایران و آمریکا به یک تفاهم اولیه گزارش می‌دهد

یک قدم تا توافق

ترامپ گفته‌های پزشکیان را درباره اینکه به دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم در شبکه تروث سوشال بازنشر کرد

گزارش تیریک راد صفحه ۲ بخوانید



این گزارش راد صفحهٔ نخست بخوانید. عکس: پوریا لاکزاییستا

گزارش «شرق» از بلاتکلیفی آموزش و پرورش برای حضوری کردن کلاس‌ها و چالش خانواده‌ها در ثبت‌نام سال تحصیلی جدید:

مهرِ بی‌مدرسه؟

یادداشت

آینده تأمین اجتماعی در ایران

بازاندیشی در نظام بیمه‌ای و نگرانی‌های پیش‌رو



افشین حبیب‌زاده

کنونی را دشوار کرده است. دولت نیز به‌درستی به این نکته اشاره می‌کند که ناپایداری مالی صندوق‌ها دیگر یک هشدار دوردست نیست، بلکه به مسئله‌ای جاری تبدیل شده است. از سوی دیگر، هزینه بالای بیمه برای کارفرمایان نیز واقعیتی انکارناپذیر است. بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی، به‌ویژه در شرایط رکود، تحریم، نوسانات ارزی و فشار مالیاتی، از سنگینی هزینه‌های بیمه گلایه دارند. بخشی از اشتغال غیررسمی در ایران نیز دقیقاً از همین نقطه شکل می‌گیرد؛ جایی که کارفرما برای بقا، به سمت قراردادهای غیررسمی یا حذف بیمه حرکت می‌کند. بنابراین استناد دولت مبنی بر کاهش سهم بیمه کارفرما برای تشویق اشتغال رسمی، از منظر اقتصاد تولید و بازار کار، بی‌پایه نیست. همچنین ایده کاهش ساختارهای موازی و یکپارچه‌سازی بخشی از خدمات رفاهی و درمانی، در سطح نظری، قابل دفاع است. بسیاری از کشورها در

دهه‌های اخیر تلاش کرده‌اند نظام‌های رفاهی پراکنده و پرهزینه را به سمت هماهنگی بیشتر سوق دهند تا هم هزینه‌ها کنترل شود و هم دسترسی عمومی به خدمات افزایش یابد. بنابراین نمی‌توان هر نوع اصلاح ساختاری را صرفاً به انگیزه‌های سیاسی یا مالی دولت تقلیل داد. اما مسئله اصلی جایی فراتر از اهداف اعلام‌شده قرار دارد؛ پرسش مهم این نیست که آیا اصلاحات لازم است یا نه؟ پرسش اصلی این است که این اصلاحات چگونه، با چه تضمین‌هایی و در چه بستر نهادی قرار است اجرا شوند؟

در ایران، مشکل بسیاری از سیاست‌ها نه در مرحله تدوین، بلکه در مرحله حکمرانی و اجرا آشکار می‌شود. تجربه چند دهه گذشته نشان داده که حتی سیاست‌هایی با نیت‌های درست نیز ممکن است در عمل، به دلیل ضعف نهادی، کسری بودجه، تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت یا ملاحظات سیاسی، نتایجی متفاوت و گاه معکوس ایجاد کنند. نگرانی اصلی درباره لایحه جدید تأمین اجتماعی نیز دقیقاً از همین نقطه آغاز می‌شود.

حساس‌ترین بخش این لایحه، انتقال منابع حاصل از حق بیمه به خزانه‌داری کل کشور است. در ظاهر ممکن است این اقدام صرفاً یک تغییر اداری یا مالی به نظر برسد، اما در واقع با یکی از بنیادی‌ترین مسائل نظام رفاهی ایران مرتبط است: استقلال منابع بین‌نسلی بیمه‌شدگان.

یادداشت

تورم در ایران در دوره‌های جنگی از سال ۱۳۲۰ تا ۱۴۰۵



احسان هوشمند

تورم یکی از پدیده‌های مؤثر بر ساختار اقتصادی کشور است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، تولید، توزیع و مصرف و در یک معنا شئون مختلف زندگی روزمره عموم شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تورم تابعی از سیاست‌های پولی و معرف وضعیت اقتصادی کشور هم قلمداد می‌شود. بررسی نسبت تورم با وقوع شرایط جنگی موضوع دامنه‌داری است که بررسی ابعاد آن به مطالعات بسیاری نیاز دارد، اما اینجا برای بررسی این پدیده در دوره‌های جنگی تاریخ معاصر ایران، مروری توصیفی بر آمارهای در دسترس داریم. ایران در تاریخ معاصر چند بحران جنگی را تجربه کرده است. در جنگ نخست جهانی به دلیل اشغال بخش‌هایی از ایران توسط قوای عثمانی و روسیه، تشتت در میان نیروهای سیاسی کشور، بی‌ثباتی و تغییر بی‌درپی دولت‌ها و تزلزل در اداره کشور، وقوع برخی شورش‌های سیاسی و عشائری، وضعیت اقتصادی کشور با بحران بزرگی دست به گریبان بود. هرچند گزارش دقیقی از میزان تورم در ایران در آن دوره در دسترس نیست، اما برخی گزارش‌های اقتصادی حاکی از وقوع قحطی و گسترش کم‌سابقه فقر و فاقه در بسیاری از گوشه و کنار کشور است. با تثبیت اوضاع سیاسی ایران در دوره رضاشاه، به‌تدریج وضعیت اقتصادی کشور نیز به ثبات نسبی رسید. به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸، نرخ تورم کشور تک‌رقمی شد و به حدود هشت تا ۸٫۸ درصد رسید. اما با کشیده‌شدن پای ایران به جنگ جهانی دوم، به یکباره کشور شاهد وقوع تورم لگام‌کشیده بی‌سابقه‌ای شد. در سال ۱۳۲۰، سالی که از میانه آن ایران توسط متفقین، یعنی شوروی و انگلستان اشغال شد، نرخ تورم با صعودی چشمگیر به ۴۹٫۵ درصد رسید و در سال ۱۳۲۱ تورم همچنان با رشد بی‌سابقه‌ای دست‌به‌گریبان بود و به رقم ۹۶٫۲ درصد رسید. در سال ۱۳۲۲ نرخ تورم از این هم بدتر شد و با سه‌رقمی شدن تورم، رکوردی تاریخی بر جای گذارد. در سال ۱۳۲۲، یعنی در دومین سال اشغال ایران، نرخ تورم به رکورد بی‌سابقه ۱۱۰٫۵ درصد رسید که این رکورد همچنان بالاترین نرخ تورم کشور در ۹ دهه معاصر محسوب می‌شود. این نرخ در سال ۱۳۲۳ به‌شدت کاهش شد و به نرخ ۲٫۷ درصد تورم سالانه رسید و در سال ۱۳۲۴ حتی از این هم فراتر رفت و نرخ تورم منفی و به منفی ۱۴٫۴ درصد رسید. در سال‌های پس از اشغال ایران در جنگ دوم بین‌الملل هم روند تورم چندان رشد نکرد و حتی در سال ۱۳۲۹ به منفی ۱۷٫۲ درصد در سال رسید. در سال‌های بعد نیز نرخ تورم هیچ‌گاه فراتر از ۲۰ درصد را تجربه نکرد تا سال‌های میانی دهه ۵۰ که کشور با

یادداشت

صرفه‌جویی با مردم



سید فرید موسوی

نماینده مجلس

«صرفه‌جویی» در شرایط امروز ایران به یک راهبرد ملی برای حفظ ثبات بدل شده است؛ روزنه‌ای برای عبور از فشارها و ساختن آینده. این راهبرد اما تنها و تنها زمانی موفق خواهد بود که «با مردم» باشد، نه صرفاً «برای مردم». مردم ایران در همه روزهای سخت این سرزمین نشان داده‌اند هر زمان پای وطن در میان باشد، اهل ایستادگی‌اند؛ اهل همراهی، صبوری و فداکاری. تجربه سال‌های دشوار، از جنگ تحمیلی تا بحران‌های اقتصادی، ثابت کرده است سرمایه اصلی ایران نه‌فقط منابع طبیعی، بلکه حس عمیق وطن‌دوستی مردمانش است؛ سرمایه‌ای که باید بیش از هر زمان دیگری از آن مراقبت کرد. در چنین شرایطی، وظیفه دولت صرف دعوت مردم به صرفه‌جویی نیست، بلکه پیش از هر چیز باید در «الگوبودن» و «اعتمادسازی» پیش‌قدم شود. سیاست صرفه‌جویی زمانی به یک باور عمومی و حرکت ملی مؤثر تبدیل می‌شود که مردم نشانه‌های آن را ابتدا در رفتار مسئولان ببینند؛ از حذف هزینه‌های زائد و ریخت‌وپاش‌های اداری گرفته تا ساده‌سازی ساختارهای پرهزینه، مقابله واقعی با فساد و بستن مسیر رانت. جامعه با شعار همراه نمی‌شود؛ با «الگو» همراه می‌شود. در این میان، مسئله «اعتماد» را نباید دست‌کم گرفت؛ این مهم همان ستون اصلی همبستگی ملی است که با کفت‌وگو، شفافیت، صداقت و احترام به افکار عمومی ساخته می‌شود و متأسفانه در بسیاری مواقع با برخی تصمیم‌های ناگهانی، محدودکننده و بدون اقتاع اجتماعی آسیب می‌بیند. مردم زمانی با سیاست‌های سخت اقتصادی همراه می‌شوند که احساس کنند دیده می‌شوند، صدایشان شنیده می‌شود و فشارها عادلانه توزیع شده است. اگر جامعه باور کند که مسئولان پیش از مردم، خود را ملزم به اصلاح، شفافیت و صرفه‌جویی دانسته‌اند، سرمایه اجتماعی دوباره جان می‌گیرد و حس مشارکت تقویت می‌شود.

برگزیده‌ها

بمباران کی‌یف هم‌زمان با مخالفت اتحادیه اروپا با عضویت کامل اوکراین

کی‌یف اسیر تعلق اروپا

بازخوانی نقش فضاهای عمومی در حیات شهری و زندگی جمعی

میدان؛ جایی برای بازگشت «روح ایرانی» به شهر

چگونه قطعی اینترنت فرصت‌های ایجاد کسب‌وکارهای جدید را در عصر سلطه هوش مصنوعی از بین می‌برد

توقف تازه نفس‌ها

پرویز قلیچ‌خانی مردی فراتر از فوتبال

قتل مهاجم تیرانداز در نزدیکی کاخ سفید

نگاه

فساد؛ مانعی پنهان در مسیر بهره‌وری و توسعه یادداشتی از شیدا آریایی‌پور

یادداشت

صرفه‌جویی با مردم



سید فرید موسوی

نماینده مجلس

«صرفه‌جویی» در شرایط امروز ایران به یک راهبرد ملی برای حفظ ثبات بدل شده است؛ روزنه‌ای برای عبور از فشارها و ساختن آینده. این راهبرد اما تنها و تنها زمانی موفق خواهد بود که «با مردم» باشد، نه صرفاً «برای مردم». مردم ایران در همه روزهای سخت این سرزمین نشان داده‌اند هر زمان پای وطن در میان باشد، اهل ایستادگی‌اند؛ اهل همراهی، صبوری و فداکاری. تجربه سال‌های دشوار، از جنگ تحمیلی تا بحران‌های اقتصادی، ثابت کرده است سرمایه اصلی ایران نه‌فقط منابع طبیعی، بلکه حس عمیق وطن‌دوستی مردمانش است؛ سرمایه‌ای که باید بیش از هر زمان دیگری از آن مراقبت کرد. در چنین شرایطی، وظیفه دولت صرف دعوت مردم به صرفه‌جویی نیست، بلکه پیش از هر چیز باید در «الگوبودن» و «اعتمادسازی» پیش‌قدم شود. سیاست صرفه‌جویی زمانی به یک باور عمومی و حرکت ملی مؤثر تبدیل می‌شود که مردم نشانه‌های آن را ابتدا در رفتار مسئولان ببینند؛ از حذف هزینه‌های زائد و ریخت‌وپاش‌های اداری گرفته تا ساده‌سازی ساختارهای پرهزینه، مقابله واقعی با فساد و بستن مسیر رانت. جامعه با شعار همراه نمی‌شود؛ با «الگو» همراه می‌شود. در این میان، مسئله «اعتماد» را نباید دست‌کم گرفت؛ این مهم همان ستون اصلی همبستگی ملی است که با کفت‌وگو، شفافیت، صداقت و احترام به افکار عمومی ساخته می‌شود و متأسفانه در بسیاری مواقع با برخی تصمیم‌های ناگهانی، محدودکننده و بدون اقتاع اجتماعی آسیب می‌بیند. مردم زمانی با سیاست‌های سخت اقتصادی همراه می‌شوند که احساس کنند دیده می‌شوند، صدایشان شنیده می‌شود و فشارها عادلانه توزیع شده است. اگر جامعه باور کند که مسئولان پیش از مردم، خود را ملزم به اصلاح، شفافیت و صرفه‌جویی دانسته‌اند، سرمایه اجتماعی دوباره جان می‌گیرد و حس مشارکت تقویت می‌شود.

^[1] البته در صفحه ۵

^[2] البته در صفحه ۵

^[3] البته در صفحه ۵

^[4] البته در صفحه ۵

^[1] البته در صفحه ۷

^[2] البته در صفحه ۷

^[3] البته در صفحه ۷

^[4] البته در صفحه ۷